

برخی از خوانندگان گرامی سؤال می کنند که:
 آیا در جهان بالا موجود زنده ای وجود دارد؟
 یا اینکه حیات و زندگی مخصوص کره زمین است؟
 و به فرض مساعد بودن محیط کرات بالا برای
 زیست، آیا موجودات زنده عاقلی در آنجا هست
 که بسان مادارای تمدن باشند و با اینکه تمدن فقط
 در کره زمین است و در هر حال نظر اسلام و دانشمندان
 اسلامی در این زمینه چیست؟

پاسخ:

وسعت و عظمت جهان آفرینش به قدری است
 که همه دانشمندان در برابر آن، انگشت حیرت
 بدنشان دارند و با اینکه از بزرگی و وسعت و تعداد
 کهکشانها و ستارگان و کرات، اطلاعات دقیقی در
 دست نیست، ولی تنها در کهکشان ما (۱)
 ۱۵۰/۰۰۰ میلیون ستاره ثابت شمرده شده که در
 میان آنها تعداد قابل توجهی شبیه خورشید ما است.
 بنا بر این با در نظر گرفتن عظمت عالم آفرینش بسیار
 بعید به نظرمی رسد که حیات و زیست مخصوص کره
 ما باشد؛ و کرات دیگر از موجود زنده و یا زنده
 عاقل، بسان انسان، بی بهره باشند.
 هر چند به عقیده دانشمندان نجومی احتمال وجود
 حیات در دیگر سیارات محدود منظومه شمسی بسیار

پاسخ به يك سؤال مذهبی

آیا در کرات

دیگر

تمدن

و

سایکنانی

وجود دارد؟!!

(۱) کهکشان ما که در زبان عربی به آن «مجره» و در زبان توده مردم به آن راه مکه و یا راه شیری
 می گویند؛ یکی از هزاران کهکشان است که در عالم هستی وجود دارد و منظومه شمسی ما جزء ناچیزی از
 کهکشان است.

ضعیف است زیرا عطارد وزهره بسیار سوزان و خفه کننده و مریخ سرد و مشتری و زحل در «امونیک» و «متان» غوطه ورنند .

ولی این نوع داوریهها درباره کرات منظومه ما نیز چندان منطقی نیست زیرا اگر ما خود را در یکی از این سیارات قرار دهیم درباره زمین چه می گوئیم؟ لابد يك منجم مریخی می گوید : زمین ما از گاز کشته اکسیژن احاطه شده است و او که نمی تواند بفهمد چگونه ساختمان بدن ما با این اکسیژن سازگاری دارد ؛ امکان حیات را در زمین غیر قابل تصور فکرمی کند !

اگر ماهواره هائی هم از مریخ به سوی زمین فرستاده شود (مانند ماهواره های زمین) که در فاصله ۳۰۰ کیلومتری زمین، عکس برداری کنند باز هیچ گونه آثار حیات در عکس ها نمایان نخواهد بود !

از این نظر هیچ بعید نیست که داوریهای بعضی از دانشمندان درباره مساعد نبودن شرایط سیارات منظومه ما برای حیات ، بسان داوریه منجم مریخی باشد که اذ دور ؛ زمین را برای حیات مساعد نمی بیند ؛ زیرا ما از خصوصیات شرایط حیات و خصوصیات ساختمان موجودات زنده آنجا (البته به فرض وجود) اطلاع نداریم که آیا می توانند با آن شرایط در آنجا زندگی کنند یا نه .

در حال بسیاری از دانشمندان مانند «ساگان» دانشمند آمریکائی و «شکلوسکی» عضو برجسته فرهنگستان شوروی و همچنین «والتر موسیوان»

در کتاب «مادر جهان تنها نیستیم» مسلم می دانند که در خارج کره زمین هم تمدنی وجود دارد حتی تمدنهای عالی تر از تمدن زمین ؛ این دانشمندان اظهار می دارند که هیچ دلیل ندارد ما معتقد باشیم که تنها کوب مسکون ما ؛ وضع خاص و انحصاری داشته باشد ؛ بلکه به احتمال قوی ، هزاران منظومه شمسی همانند منظومه شمسی ما در این کهکشان موجود است .

دو دانشمند نخست می گویند که کهکشان ما ممکن است دست کم هزار میلیون سیاره قابل زیست داشته باشد ، و نزدیکترین و مستعدترین ستاره «آپسیلون» است و از میان هزاران هزار سیاره در چند تا ممکن است زندگی وجود داشته باشد و چند تا از آنها ممکن است دارای تمدن «صنعتی پیش رفته» باشند ؛ حتی طبق گزارش رصد خانه نجوم فیزیکی «یوراگان» شوروی «از فضا علامات رادیوئی پخش می شود که گوئی مردم متمدن از جهان دیگر ، بر آن باشند که توجه مردم کرات دیگر را به خود جلب کنند» (۱)

علم و دانش تا این نقطه پیش رفته و دوسراسر جهان دانشمندان به کاوشهای علمی خود ادامه می دهند ، تا پرده از چهره حقیقت بردارند .

* * *

نظر اسلام در این باره بسیار روشن است و قرآن و احادیث اسلامی از چهارده قرن پیش موضوع را برای ما حل کرده اند ؛ ولی اجازه بفرمائید که پیش

(۱) در تنظیم این قسمت از کتاب «دانستنیهای جهان علم» نگارش آقای احمد راد ص ۲۲۷-۲۲۹

از آن که درباره این موضوع از نظر قرآن و حدیث سخن بگوئیم ، جمله ای پیرامون مقتضای حکمت الهی در این زمینه خاطر نشان سازیم :

از نظریك فرد موحد و خدا شناس که آفرینش جهان را از روی حکمت خداوند می دانند بسیار بعید است که در میلیاردها ستاره هیچکدام جز کره زمین مسکون نباشند و همه حکم بیابانهای خشک و خالی و خاموش داشته باشند؛ نه موجود زنده ای؛ نه موجود متفکر و با شعوری مطلقاً در هیچیک دیده نشود . این احتمال با قبول اصل هدف برای آفرینش و حکیم بودن آفریدگار سازگار نیست .

قرآن مجید با بیان روشن به موجودات زنده در آسمانها تصریح می کند و در توصیف قدرت خدا چنین می فرماید :

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ» (سوره شوری آیه ۲۹)

: «از نشانه های قدرت گسترده خداوند، آفرینش آسمانها و زمین و موجودات زنده ای است که در آنها (آسمانها و زمین) پخش کرده و پدید آورده است» .

چه بیانی رساتر از این که می گوید: خداوند در آسمانها و زمین موجود زنده ، متحرک (دَابَّة) آفریده و پخش کرده است ؟

قرآن نه تنها به وجود حیات و زندگی در کرات

آسمانی ، تصریح می کند بلکه در برخی از آیات به روشنی تصریح میکند که در آسمانها موجودات زنده و عاقلی هستند که بسان بشر خاکی تکلیف و وظیفه دارند ، و در روز بازپسین مانند بشر محشور خواهند شد آنجا که می فرماید : **إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَانِ عَبْدًا** .
: «آنچه در آسمانها و زمین از موجودات (زنده و عاقل) (۱) وجود دارد همگی به صورت بنده فرمانبر ، در پیشگاه خداوند حاضر می شوند» .

لَقَدْ أَحْصَيْتُمْ وَعَدْتُمْ عَدًّا

از همه بدقت آمار گرفته و شمرده است

وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَرْدًا (سوره

مریم آیه های ۹۳-۹۵)

همه آنان (آنها که در آسمان و زمین قرار دادند) روز رستاخیز به تنهایی محشور می گردند .

این آیات سه گانه می رسانند که در آسمانها موجودات زنده و عاقل که دارای تکلیف و رستاستا خیزند ، وجود دارند و چگونگی حشر آنان، بسان بشر در روز قیامت به صورت تنهایی انجام خواهد گرفت .

از میان روایات تنها به نقل يك روایت و ترجمه آن اکتفا می کنیم .

امیر مومنان درباره ستارگان چنین می فرماید :

«إِنَّ هَذِهِ النُّجُومَ الَّتِي فِي السَّمَاءِ مَدَائِنٌ مِثْلَ الْمَدَائِنِ الَّتِي فِي الْأَرْضِ مَرْبُوطَةٌ كُلُّ مَدِينَةٍ

(۱) در زبان عربی لفظ «من» در موجود زنده و عاقل به کار می رود از این جهت در ترجمه آیه این دو

لفظ ؛ به جای «من» گذارده شده

إِلَى عَمَدٍ مِنْ نُورٍ» (۱)

«این ستارگان شهرهائی هستند، مانند شهرهای روی زمین و هر شهری با شهردیگر، باستونی از نور مربوط می باشد»

سالار شهیدان حضرت حسین بن علی (ع) در دعا و نیایش خود بدرگاه الهی چنین می گوید: **اللَّهُمَّ رَانِي أَسْئَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ وَمَعَاقِدِ عِزِّكَ وَوَسْطَانِ**

سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِكَ ... : پروردگارا من به کلمات و سخنان و مراکز عزت و ساکنان آسمانها و زمینت سوگند می دهم ... این جمله بروشنی می رساند که آسمانها هم ساکنانی دارد آنهم مقرب درگاه الهی و پاکدامن. گرچه بعضی از علمای اسلام این جمله را تفسیر به ملائکه و فرشتگان کرده اند ولی دلیلی بر این انحصار نداریم .

(۱) سفینه البحار ماده نجم ج ۲ ص ۵۷۴ - نزدیک به همین مضمون در مجمع البحرین ماده کوب وارد شده است و بجای جمله عمود من نور؛ عمودین من نور ذکر شده است، و ممکن است منظور از عمودین (دوستون) همان دو قانون نیروی جاذبه و گریز از مرکز باشد. (ص ۱۳۲ مجمع البحرین)

کیفر ترک کمک به نیازمندان

ششمین پیشوای شیعه حضرت صادق (ع) می فرماید :

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ؛ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سُودًا وَجْهَهُ مَزْرُقَةٌ عَيْنَاهُ؛ مَغْلُوقَةٌ يَدَاؤُهُ إِلَى عَتَقِهِ فَيُقَالُ: هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ

هر کس از رفع نیازمندیهای برادر مسلمانش، خودداری کند در صورتی که می تواند به درخواست او چه به تنهایی و چه به کمک دیگران جامه عمل بپوشاند، روز رستاخیز خداوند او را باروئی سیاه و دیدگانی نابینا، درحالی که دستهای او به گردنش بسته شده است محشور می سازد و به وی چنین خطاب می شود:

این شخص همان فرد خائنی است که به خدا و پیامبر او خیانت

ورزیده است. (اصول کافی)